

شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۲
 وطن امروز | شماره ۳۹۹۸



نمایشگاه انفرادی «ایا بختیاری» با عنوان «سر نهان» در گالری استخر برپا شد. این نمایشگاه از رایا بختیاری که روز گذشته افتتاح شد، تا سه‌شنبه ۸ اسفند ادامه دارد. رایا بختیاری در توضیح این نمایشگاه نوشته است: «فضای خالی مکعب مزین به آیینه، می تواند پلی باشد میان آنچه هستییم و آنچه خواهیم بود.» علاقه‌مندان می‌توانند برای بازدید از این چیدمان حجم با عنوان «سر نهان» هر روز از ساعت ۱۷ تا ۲۱ به گالری استخر از پروژه‌های آرتیستیک مراجعه کنند. گالری استخر در خیابان شرعیته، بالاتر از پل رومی، کوچه رضایی، پلاک ۶، ایوان ربط واقع است.

«آپوزیشن»

جمعه‌ها در شبکه ۲ سیما

برنامه طنز «پوزیشن» با محوریت طنز-نقدانه برنامه‌های شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ی روانه آنتن شبکه ۲ سیما شد. این برنامه که از سری برنامه‌های طنز «دی‌بی‌سی» است با روایتی فکاهی برنامه‌های گفت‌وگومحور و به اصطلاح کارشناسانه شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان را به چالش می‌کشد؛ چالشی که ضمن ایجاد لحظاتی مفرح برای مخاطب، هجو بودن متن و ساختار این برنامه‌ها را نمایش می‌دهد. «پوزیشن» محصول گروه اجتماعی اقتصادی شبکه ۲ سیما است که به تهیه‌کنندگی و کارگردانی مصطفی صاحبی در مدرسه سینمایی اندیشه و هنر ماه تولید شده است که قسمت اول دیروز به جای «دی‌بی‌سی» از شبکه ۲ سیما پخش شد.

انتشار شاعرانه‌های یک دیپلمات

کتاب «مسافر آینه» مجموعه اشعار نزار قبانی با ترجمه صالح بوعدار به همت انتشارات روزگار در شمارگان ۵۰۰ نسخه با قیمت ۲۱۰ هزار تومان منتشر شد. نزار توفیق قبانی (۱۹۲۳–۱۹۹۸)، دیپلمات، شاعر و نویسنده سوری است. عاشقانه‌های نزار قبانی شهره همگان است، چرا که وی با زبانی سهل و ممتنع توانسته به لایه‌های فراموش شده کوچه و بازار نفوذ کند و با ظرافت‌ها و ظریف‌های زبانی و شعری خویش، شعرهای عاشقانه ناب و جاودانه‌ای بیافریند. شعرهای نزار قبانی به واقع ترجمان شاعرانگی زندگی‌اند. وی کوچک‌ترین و مغفول‌ترین کارها و حالات روزمره را به شعر و شور مبدل کرده است. کارهایی چون: خوردن قهرمه در قهوه‌خانه‌ای متروک با معشوق، خواندن روزنامه، تماشای تلویزیون، راه رفتن زیر باران، غرق شدن در افسون یار و…

نزار قبانی، کشف حالات و آتات روزمره زندگانی است و آنها را چنان ظریف و زیبا در شعر خویش به کار می‌گیرد که گویی برای نخستین‌بار بر انسان تجلی می‌کنند و انسان با آنها مواجه‌های زیبایی‌شناسانه و شاعرانه می‌کند.

پیمان معادی درگیر یک پرونده قتل شد

سریال «فعی تهران» به کارگردانی سلمان مقدم به‌زودی پخش می‌شود. در این سریال به تهیه‌کنندگی جواد فرحانی بازیگرانی چون پیمان معادی، سحر دولتشاهی، آزاده صمدی، پژمان جمشیدی با حضور میرلا زارعی، هومن سیدی، مهسا حجازی، بهادر مالکی، به‌افزین غفاریان، نیلوفر کوخانی، تورج اصلائی، امیراحمد قزوینی، محمد صدیقی‌مهر و بازیگر خردسال ماهور نعمتی حضور دارند. ۲۰ سال پس از تجربه همکاری سلمان مقدم و پیمان معادی در «کافه ستاره»، این تجربه این بار با سریال «فعی تهران» تکرار می‌شود. این سریال نخستین حضور پیمان معادی در شبکه‌نمایش خانگی است. همچنین نویسندگی فیلمنامه «فعی تهران» را پیمان معادی و پویا مهدوی‌زاده برعهده داشته‌اند. «فعی تهران» در ژانر درام اجتماعی، ماجراهای یک کارگردان سینما است که درگیر پرونده قتل می‌شود. «فعی تهران» به طور اختصاصی از پلتفرم فیلم‌نت پخش می‌شود.

«کار آگاه چینک» در شبکه کودک

پویانمایی «کارآگاه چینک» با گویندگی ۱۶ نفر از گویندگان گفتار فیلم در واحد دوبلژا اداره کل تلمین و رسانه بین‌الملل دوبله شد.این سینمایی در گونه انیمیشن، ماجراجویی و خانوادگی محصول روسیه در سال ۲۰۲۲ قرار است از شبکه کودک سیما پخش شود.

مدیر دوبله این سینمایی انیمیشن مهسا عرفانی و صدراپار نار ان حسینی حسینی فر است. زهره اسدی، ارغوان افراسیاب، رضا الماسی، محمد بهاریان، محمد تنهایی، ارسلان جولایی، نفیسه زاجکاتی‌ها، ابوالفضل شاه‌پهرامی، سحر صحامیان، پویا فهیمی، کورش فهیمی، امیر صالح کسروی، علی همت مومیوند، صنم نکواقبال، حسین نورعلی و مهسا عرفانی این کار را دوبله کرده‌اند. این پویانمایی ماجرای سرقت کندوی طلایی در سرزمینی است که معتقدند در صورت ناپدید شدنش تباهی بر شهر سایه می‌افکند و در ادامه یک کار آگاه جوان به کمک استادش به حل پرونده می‌پردازد. «کارآگاه چینک» اثری کارآگاهی و معمایی است که با پرداخت خوب داستان در این زمینه موفق عمل کرده‌است. از طرفی بحث تلاش و امید و نگاه به آینده و پیشرفت در کار و شغفل و زندگی و ایجاد فرصت برای نسل جوان و اعتماد به این نسل و تعامل نسل گذشته و نسل جوان از مباحث ارزشمندی است که در این اثر مطرح می‌شود و می‌تواند برای نوجوانان یک‌تاز ترویجی و انگیزشی محسوب شود و تاثیر مثبتی داشته باشد.

حضرت امام حسن مجتبی‌(ع):

نه پاکدامنی، روزی را از انسان دور می‌کند و نه حرص، روزی زیاد می‌آورد، چون روزی قسمت شده است و حرص دزدن باعث مبتلا شدن به گناهان می‌شود.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحبانمناز و مدیرمسئول:محمد اخوندی
مدیرعامل:رضا شکیبایی
سردبیر:سید عابدین نورالدینی

نگاهی به کتاب «عملیات احیا» و روایت صعود یک مجموعه دانش بنیان

فرق می‌کند چه کسی رئیس باشد

عباد محمدی: آن روز غروب، در ترافیک مانده بودم، کلافه و پر از غرولند. آخرین کتابی که به دستم رسیده بود، چند روزی می‌شد گوشه ماشین رهایش کرده بودم. به نظر می‌آمد کتاب از جنس همان گزارش‌های مرسوم سازمانی است که تلاش می‌کنند خود را با شعار سال تطبیق دهند و از این محل خودی نشان دهند. گیر دادن بهانه می‌خواهد و ترکیب ترافیک و کتاب ظرفیت اعجاز‌انگیزی برای پبله کردن ایجاد کرده بود!

آن روز وضعیت ترافیک عجیب بود، قفل قفل! تا آن لحظه تصمیم این بود که کتاب را به حال خودش رها کنم، همان گوشه ماشین. یاد نهایت‌زسر لطف بگذارم!ش در کتابخانه برای دکورا کمتر با کتاب‌ها چنین رفتاری را می‌کنم اما کتابی که در حال گزارش‌دهی تملق‌گونه باشد، سزاوار چنین رفتاری است.

هیچ مجالی برای حرکت نبود، ناگزیر کتاب را برداشتم و بی‌سبب صفحه‌ای از کتاب را باز کردم. نخستین واژه‌هایی که در چشمم می‌دوید، این‌طور نوشته شده بود: «مهندس، چند روز قبل از اینکه شما مدیرعامل کارخونه بشین، یکی از بشکه‌ها به خاطر گازروئیل منفرج شد. حسین نزدیک بشکه واساده بود و توی آش سوخت. همون روز منتقلش کردن بیمارستان منهد؛ الان خبر دادن فوت کرده».

یک جای کار جور در نمی‌آمد؛ چرا یک کتب گزارش‌گونه، باید خبر مرگ دهد! ان هم مرگی که از نسوی مدیرعامل عارض شده است!

متعجب به صفحه‌های ابتدایی کتاب برگشتم، کمی بعدتر از مقدمه! صفحه‌ها را یکی‌یکی ورق می‌زدم. یک کارگر، سینه راز گشوده بود و همه ناگفته‌هایش را یکجا پس می‌داد. گویی از دهه ۷۰ منتظر این لحظه مانده که نفر سوالی بپرسد و او همه خاطرات خاک‌خورد‌هاش را از گنجه ذهنش بیرون بکشد. در نهایت وقتی از او پرسیده بودند تو جای مدیر باشی چیکار می‌کنی؟ گفته بود: «با چند موشک نقطه‌زن، اینجا را با خاک یکسان می‌کنم».

حالا صدای بوق ممتد ماشین‌ها و چشمک پرتکرار خودروها، این ندا را می‌داد که وسط خیابان در حال خواندن کتابی هستم که پیش از این در نظرم یک گزارش سازمانی می‌مانست. کمی جلوتر، گوشه‌ای از بزرگراه ایستادم؛ چراغی زردرنگ به زور خودش را روی برگه‌های کتاب انداخته بود. فقط صدای بوق ماشین‌های کلافه، کافی بود که از خیر ماجرای کتاب بگذرم، اما چیزی درون من می‌گفت سرعت خواندنم پایین است!

داستان کتاب سریع ماجرای «چمکو» و روزهای اعتراضات کارگران وامانده در عبیعتش زندگی رفته بود، این ماجرا در حدود سال ۹۶ اصلا پدیدهای منحصربفرد نبود! اما الان که

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۹۲
تلفن: ۶۶۴۱۳۹۲
۶۶۴۱۳۹۲
پست الکترونیک: info@vatnemrooz.ir
پيامبرسان: vatnemrooz@vatnemrooz.ir
توزیع: نشر گستر امروز، ۶۹۳۳۰۰۰

ماجرا را از زبان یکی از حاضران می‌خوانم، وجودم گر گرفته است. هر چه را از «می‌مدیریتی و تالایقی» شنیده‌اید کتاب یکجا جمع کرده و کاملا شمرده شمرده به خورد ذهن‌تان می‌دهد. نویسنده با طرح گزاره‌هایی بی‌سابقه از شرایط یک کارخانه ایرانی، نیت کرده خواننده را چنان عصبانی کند که بخواهد کتاب را گوشه‌های پرت کند و چند جمله کش‌دار نصب بانی‌اش کند اما در عین غضب، گزینش واژه‌ها و جزئیات ماجرا، این اجازه را به شما نمی‌دهد که از خواندن دست‌بکشیدو عقب بنشینید. هنوز عصبانیت و کلافگی دست از سر شما برنداشته که بغض استیصال گلوی‌تان را می‌فشارد! راوی ابایی ندارد که بگوید انسانیت مرده است و از کارخانه‌ای ورشکسته بنویسد که نکبت توحش مدرن در سوله‌های آن سرچیده است. چند فصل نخست، ماجرای یک مرادیه ریاست است که مدیرعامل هیچ طوری از فساد و زارت فرونگذاشته است و نویسنده به ظرافت، خاک این فساد را تاحلق خواننده می‌فرستد. چه کسی باور می‌کرد کتابی که احتمال می‌دام گزارش سازمانی است، حالا با نگاهی انتقادی روایت ناکارآمدی مدیران را در تکتک سطرها گنجانده باشد؟! ماجرا برای سال ۹۶ است و این بوی تازگی به این راحتی‌ها اجازه نمی‌دهد از ادامه ماجرا پا پس بکشید.

اصل داستان از یک تلفن آغاز می‌شود، تلفنی که همه چیز را به هم می‌ریزد و نویسنده هیچ ترسی ندارد که برطمرطاق بنویسد که بوی تحول می‌آید. اما مگر شدنی است؟ تصور کنید مدیرعامل جوان از همان نخستت کسه وارد کارخانه می‌شود، با این صحنه مواجه است: «همه فکر و ذهنم شده بود حساب خالی شرکت و حقوق اسفند و عیدی سال جدید هم‌کارها که پنج ماه حقوق عقب‌افتاده داشتند. دلم گرفته بود که گوشیم زنگ خورد. اسم علیرضا را که دیدم، گل از گلم وا شد. با خودم گفتم «الحمدلله حقوق بچه‌ها ردیف شد» و گویی را جواب دادم.

– خوش‌خبر قهرمان که بدون تیمت قهرمان نیست. قهرمان

– کارشناس اداره ثبت‌اسناد با حکم قضایی اومده جلو کارخونه میگه بانک شاکمی شده. می‌خواد کارخونه را مصادره کنه». گویا همان‌طور که این‌بوی‌ها بدخلق منتقد قرار نیست دست از سر من بردارند، این کارخانه به گل نشانده‌شده هم قرار نیست از جا کنده شود.

گلویم از شدت هیجان خشکیده، کاش کنار کتاب یک بطری آب هم فرستاده و رویش نوشته بودند «برای مواقع ناآرامی!» داستان جلو می‌رود، نه من که گوشه بزرگراه ایستادم و نه تیم چمکو، هیچ‌کس نمی‌خواهد وا‌دهد. در آن گیرودار مصادره کارخانه و بدهی عظیم برجامانده، مدیرعامل جدید اما رؤیاهای متفاوتی در سر دارد، می‌خواهد کرامت

بیش از ۱۰۰۰ نمایش متقاضی حضور در بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان

حالا نوبت نمایش بچه‌هاست

مالی بود تا بتواند به حیات خود ادامه دهد که متأسفانه این اتفاق نیفتاد و جشنواره تئاتر کودک از سال ۸۲ دیگر برگزار نشد.

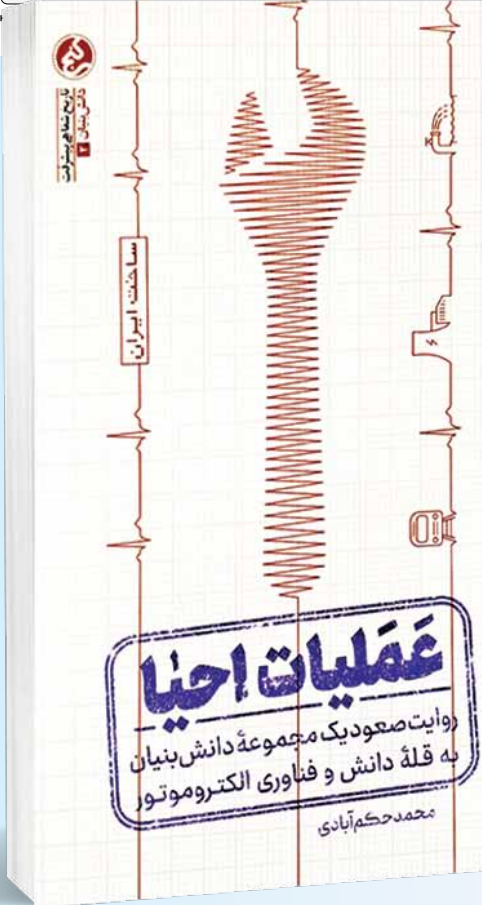
هیات مدیره دفتر تئاتر کودک و نوجوان مرکز هنرهای نمایشی که در آن نام چهره‌های شناخته‌شده تئاتر کودک دیده می‌شد، از جمله رضا بابک، سیدحسین فدایی‌حسین، سیدعلی کاشفی‌خوانساری و عباس اسفند ۱۳۸۴ آغاز کرد و نخستین دستاوردهای تشکیل این دفتر، احیای جشنواره تئاتر کودک پس از یک وقفه ۵ ساله بود. در آن دوره از جشنواره به استان همدان به عنوان زادگاه این جشنواره پیشنه‌دار برگزاری داده شد که متأسفانه همدان به دلیل مشکلات مالی نتوانست آن را بپذیرد و جشنواره به استان اصفهان رفت. جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان برای هفدهمین دوره برگزار می‌مجد به همدان و زادگاهش برگشت. در این دوره ۱۱۲ اثر نمایشی جشنواره دهم، یکی از دوره‌های پرپار جشنواره تئاتر کودک بود که در آن دوره، انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، نشست‌های تخصصی با موضوع جایگاه قصه در تئاتر کودک و نوجوان برگزار کرد. بعد از این دوره بار دیگر جشنواره به شهر دیگری رفت و دوره یازدهم در زاهدان و دوازدهم در گچساران برگزار شد.

این اتفاق باعث پایین آمدن کیفیت برگزاری جشنواره شد تا جایی که دوره سیزدهم که قرار بود سال ۸۲ برگزار شود، کنسل و جشنواره در ۳ سال پس از آن به دنبال حامی و علاقه‌مندان اجرا کنده مسیری که در برخی موارد برای نوازندگان کم سن و سال، نواختن چنین ملودی‌هایی بسیار دشوار است اما آنها نشان دادند به دلیل استمرار تمرین‌ها، می‌توانند در قالب یک ارکستر کودک و نوجوان، که فقط تعداد کمی هنرمند بزرگسال آنها را همراهی می‌کنند، حرف‌های زیادی برای گفتن داشته باشند. شرایطی که در این دوره از جشنواره به نظر می‌رسد جزو سیاست‌های اصلی برگزارکنندگان برای توجه‌به هنرمندان گروه سنی کودک و نوجوان باشد.

به گفته‌های هنرمندان‌المللی عرضه‌ویولن‌نوازی، اصلی‌ترین هدفی که برای برگزاری این کنسرت مدنظر بود، انتقال پیامی به همه دنیاست که هنرمندان کودک و نوجوان ایرانی می‌توانند آینده درخشانی را برای سرزمین ایران رقم بزنند و با این درخشش تمام‌قله‌های موفقیت دنیا را فتح کنند که امیدواریم سنی کودک و نوجوان باشد.

به گفته‌های هنرمندان‌المللی عرضه‌ویولن‌نوازی، اصلی‌ترین هدفی که برای برگزاری این کنسرت مدنظر بود، انتقال پیامی به همه دنیاست که هنرمندان کودک و نوجوان ایرانی می‌توانند آینده درخشانی را برای سرزمین ایران رقم بزنند و با این درخشش تمام‌قله‌های موفقیت دنیا را فتح کنند که امیدواریم

وطن امروز



تق‌تقا!
– آقا مشکلی هست؟ مدت زیادی است که اینجا توقف کرده‌اید!

نگاه می‌کنم، دیگر نه از بوق‌های بدخلق خبری است و نه از ماشین‌های گیره کرده در گرّه ترافیک! کتاب را سمت افسر پلیس می‌گیرم و می‌گویم:

– تقصیر این کتاب است که نمی‌گذارد تکان بخورم. همان‌طور متحیر کتاب را در دست گرفته و صفحاتش را نگاه می‌کنم؛ می‌پرسم می‌توانم بروم؟ همان‌طور به‌تازده، می‌گوید بفرمایید. ماشین روشن می‌شود و حرکت می‌کند.

– آقا کتاب‌تا!
– هدیه من به شما سروان، من آنچه باید را دانستم. کتاب «عملیات احیا»، داستان همت‌ها و اراده‌هاست؛ نمی‌دانم چند کتاب انگیزشی خوانده‌اید یا چه میزان به دنبال داستان‌های موفقیت در کوتامسدت بوده‌اید یا چه قدر به دنبال قهرمان‌بانتان گشته‌اید، اما هرآنچه بخواهید در این کتاب است. عملیات احیا نوشته شده تا بگوید می‌شود کاری کرد که یک شرکت ورشکسته در حال مصادره در شمال شرق ایران با همت جوانان ایرانی، ناجی تنگی مردم در جنوب غرب شود. کتاب «عملیات احیا» در ۲۰ فصل روایت صعود یک مجموعه دانش‌بنیان به قله‌های فناوری است که به قلم «محمد حکم‌آبادی» نوشته شده است.

محمد حکم‌آبادی

محمد حکم‌آبادی

محمد حکم‌آبادی

محمد حکم‌آبادی

محمد حکم‌آبادی

اما پس از شیوع کرونا ۲ سال جشنواره تعطیل شد و سال ۱۴۰۰ با وقعه، بیست‌وهفتمین دوره جشنواره تئاتر کودک و نوجوان در همدان برگزار شد و برگزاری آن به مدت ۵ سال دیگر یعنی تا سال ۱۴۰۵ در همدان تمدید شد.

اما در استانتان برگزاری دوره اخیر، خبر عدم همکاری ارشاد و استانداری همدان باعث شد مجدد این رویداد از همدان رخت برنندد و با اعلام آمادگی استان یزد این جشنواره به شهر اردکان یزد منتقل شد.

امیر مشهدی‌عباس، دبیر دوره بیست‌وهشتم نیز در نشست خبری این رویداد بدون اشاره به ماجرای انتقال جشنواره به یزد تنها به ارائه آمار و ارقام جشنواره بسنده کرد و سخنی پیرامون چرایی و جزئیات این عدم همکاری بیان نکرد! اما آنچه مشخص است اینکه مدیران و مسئولان استان همدان از ابتدا چندان تمایلی به برپایی این جشنواره نداشتند که خود جای تامل و صد البته تاسف دارد، هر چند انتقال جشنواره به استان یزد، اقبال و استقبال مخاطبان و علاقه‌مندان برای حضور در این رویداد را حتی افزایش داشته است. دریافت بیش از ۱۲۰۰ اثر برای حضور در دوره بیست‌وهشتم و پذیرش حدود ۷۰۰اثر یک رکورد منحصر به فرد را در حوزه تئاتر کودک و نوجوان رقم زده است که خود امیر مشهدی‌عباس، دبیر دوره بیست‌وهشتم نیز در برنامه‌های شادپیمایی و نمایش‌های خیابانی، برگزاری کارگاه‌های تخصصی با مدیریت داوود کیانیان و الهام احمدی، تقاضای حضور ۴۴ کشور بسا ۱۰۰ اثر در دوره بیست و هشتم و حضور چهره‌های مطرح و محبوب کودکان و نوجوانان چون مجید قناد (عضو قناد)، بهرام شادمحمدلو (آقای حکایتی)، محمد مسلمی، حمید گلی، علی فروتن (عمو قیتیله‌ای‌ها) و ملیکا زارعی (خاله شادونه) از جمله اقدامات منحصر به فرد این دوره است.

محمد حکم‌آبادی

محمد حکم‌آبادی

محمد حکم‌آبادی

محمد حکم‌آبادی

به‌زودی و در کنسرت‌های پیش رو نیز استمرار داشته باشد. علیرضا دری نوازنده درام، حمیدرضا دری نوازنده گیتار، محمدصادق فرزانه نوازنده گیتار بیس، احمدرضا شربتی و آرینا هاشم‌لو نوازندگان ویولن، الشن نمازبان و بهار برچ‌علیا نوازنده پیانو، الناز فریوسفی، ایلچه زارع، الینا شجرتی، امیرعلی سرخانی، ایلیا فریوسفی، باران چه‌رزی، تارا بهرامی، درسا رهبری، دریا روحی، دلنسا افشاری‌زاده آرومسه، رادین جعفری، فاطمه خلج‌اسعدی، فرشاد عبدالملکی، مانی موسیقی‌فغاری، مهیار خاتم‌محمدی، زهراسادات خالصی، آراد سلاجقه و الینا بختیاری نوازندگان ویولن، امیرارسلان خداویرن نوازنده پیانو، رزا محسنی، رضا خرمی، زهرا مرادی، زهرا نجفی‌دوست، حسن اکبریان، فرشاد شیرانی و میلاد پرویزی نوازندگان ویولن، سارینا کرمی نوازنده پیانو، شایان

محمد حکم‌آبادی

محمد حکم‌آبادی

محمد حکم‌آبادی

محمد حکم‌آبادی